

موضوع: خارج فقه مسائل کرونا ویروس

جلسه یازدهم / ۳۰ فروردین ۹۹

استاد سید احمد خاتمی

احکام وضعیه مسائل مرتبط با کرونا ویروس

بحث اول- آیا انسان می تواند خود را در معرض بیماری کرونا قرار بدهد. بی اعتناء به دستورات بهداشتی و مراقبت ها باشد؟ آیا برای مکلف جایز است؟

فرض این است که شخص مثلاً تنها زندگی می کند. با شیوع ویروس اگر خود مراقبتی نکند مبتلای به بیماری می

این بحث زیر مجموعه اضرار به نفس است و آیا اضرار به نفس جایز است یا جایز نیست؟

برای پاسخ به این سوال، اول باید اضرار به نفس و حدود آن را بگوییم.

1- اضرار خفیف به نفس مانند سرما خوردگی مختصر، و دیگر بیمارهای مختصر آیا این مقدار از اضرار حرام است؟ این قسم از اضرار خفیف را نوع فقها را حرام نمی دانند

2- خودکشی و شبه آن مثلاً عضوی را ناقص کردن.

3- اضراری که از موارد اضرار خفیف و شبه خودکشی نیست.

اضرار به نفس با خودکشی و مانند آن را همه فقها حرام می دانند. ادله اربعه بر آن قائم است. اما حد وسط بین آنها اگر عقلاً ملحق آن را به خودکشی کنند، حرام است.

ادله قرآنی بر حرمت اضرار به نفس

آیاتی که خوردن حرام عند الاضطرار را جایز می داند

﴿إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنزِيرِ وَمَا أُهِلَّ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [1]

المائدة ، الجزء ٦ ، الصفحة: ١٠٧ ، الآية: ٣

﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخَنزِيرِ وَمَا أُهِلَّ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكُمْ فِسْقٌ الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ

وَأَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿2﴾

﴿وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ قَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ﴾ [3]

﴿إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنَازِيرِ وَ مَا أَهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [4]

در این آیه جواز اکل میته در حال اضطرار را جایز می داند، بنابراین حفظ نفس واجب است

﴿وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ [5]

کسی که کار بد انجام می دهد و یا ظلم به نفس می کند و استغفار کند خداوند یا غفور و رحیم خواهد یافت. بنابراین ظلم به نفس حرام است. البته ظلم به نفس در ادبیات شامل شرک نیز می شود. در نتیجه شام خودکشی نیز می شود

﴿وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾ [6]

﴿وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ﴾ [7]

قدر مسلم اضرار به نفس خودکشی یا شبهه است. کرونا و ویروس نیز مرگ آوری دارد. بنابراین استناد به این آیات مکلف حق ندارد خود را در معرض این بیماری قرار دهد.

ادله روایی بسیار زیاد است مانند قاعده لاضرر و وجوب افطار لاجل المرض و ادله لزوم تیمم لخوف المرض، ادله ای که مرتبط به اطعمه و اشریه محرمه می شوند.

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع وَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَخْبِرْنِي جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ لِمَ حَرَّمَ اللَّهُ الْخَمْرَ وَ الْمَيْتَةَ وَ الدَّمَ وَ لَحْمَ الْخَنَازِيرِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يُحَرِّمْ ذَلِكَ عَلَى عِبَادِهِ وَ أَحَلَّ لَهُمْ مَا سِوَاهُ مِنْ رَغَبَةٍ مِنْهُ فِيمَا (حَرَّمَ عَلَيْهِمْ) وَ لَا زُهْدٍ فِيمَا (أَحَلَّ لَهُمْ) وَ لَكِنَّهُ خَلَقَ الْخَلْقَ (فَعَلِمَ) مَا تَقُومُ بِهِ أَبْدَانُهُمْ- وَ مَا يُصْلِحُهُمْ فَأَحَلَّهُ لَهُمْ وَ أَبَا حَهُ- تَفَضَّلَا مِنْهُ عَلَيْهِمْ بِهِ لِمُصْلَحَتِهِمْ وَ عَلِمَ مَا يَضُرُّهُمْ فَتَهَاؤُهُمْ عَنْهُ وَ حَرَّمَهُ عَلَيْهِمْ- ثُمَّ أَبَا حَهُ لِلْمُضْطَرِّ وَ أَحَلَّهُ لَهُ فِي الْوَقْتِ الَّذِي لَا يَقُومُ بَدَنُهُ إِلَّا بِهِ فَأَمَرَهُ أَنْ يَنَالَ مِنْهُ بِقَدْرِ الْبُلْغَةِ لَا غَيْرَ ذَلِكَ- ثُمَّ قَالَ أَمَّا الْمَيْتَةُ فَإِنَّهُ لَا يُدْمِنُهَا أَحَدٌ إِلَّا ضَعُفَ بَدَنُهُ وَ نَحَلَ جِسْمُهُ وَ وَهَنْتْ قُوَّتُهُ وَ انْقَطَعَ نَسْلُهُ وَ لَا يَمُوتُ أَكِلُ الْمَيْتَةِ إِلَّا فَجَاءَةً وَ أَمَّا الدَّمُ فَإِنَّهُ

يُورِثُ أَكْلَهُ الْمَاءَ الْأَصْفَرَ (وَيُبْخِرُ الْفَمَ وَيُنْتِنُ الرِّيحَ وَيُسِيءُ الْخُلُقَ) وَيُورِثُ الْكَلْبَ وَالْقِسْوَةَ فِي الْقَلْبِ وَقِلَّةَ الرَّافَةِ وَالرَّحْمَةَ- حَتَّى لَا يُؤْمَنُ أَنْ يَقْتُلَ وَلَدَهُ وَالِدِيهِ- وَلَا يُؤْمَنُ عَلَى حَمِيمِهِ وَلَا يُؤْمَنُ عَلَى مَنْ يَصْحَبُهُ وَأَمَّا لَحْمُ الْخِزِيرِ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مَسَحَ قَوْمًا فِي صُورِ شَيْءٍ مِثْلِ الْخِزِيرِ وَالْقِرْدِ وَالدَّبِّ (وَمَا كَانَ مِنَ الْمُسُوخِ) ثُمَّ نَهَى عَنْ أَكْلِهِ لِلْمَثَلَةِ لِكَيْلَا يَنْتَفِعَ النَّاسُ (بِهِ وَ لَا يَسْتَخَفُّوا بِعُقُوبَتِهِ) وَأَمَّا الْخَمْرُ فَإِنَّهُ حَرَّمَهَا لِإِفْعَالِهَا وَفَسَادِهَا وَقَالَ مُدْمِنُ الْخَمْرِ كَعَابِدٍ وَثَنٍ يُورِثُهُ الْإِرْتِعَاشَ وَيَذْهَبُ بِنُورِهِ وَيَهْدِمُ مَرْوَتَهُ وَيَحْمِلُهُ عَلَى أَنْ يَجْسَرَ عَلَى الْمَحَارِمِ مِنْ سَفْكِ الدِّمَاءِ وَرُكُوبِ الزَّنا وَلَا يُؤْمَنُ إِذَا سَكِرَ أَنْ يَثْبَ عَلَى حَرَمِهِ وَهُوَ لَا [8]

سند روایت

سند اول کلینی از سعد است. مکرر گفته ایم در بین عده حداقل یک نفر ثقه قرار دارد. به روایت سهل اخذ می شود. سند دوم از علی بن ابراهیم از پدرش. در این سند عن بعض اصحابنا می گوید که موجب ارسال سند می شود. سند سوم، عبد الرحمن بن سالم توثیق ندارد و تضعیف ابن غضائری را نیز دارد. او عبد الرحمن بن سالم بن عبد الرحمن الاشل الکوفی العطار وکان سالم بیاع المصاحف و عبد الرحمن بن سالم اخو عبد الحمید بن سالم له کتاب. هیچ توثیقی ندارد. و قال ابن الغضائری، روی عن ابی بصیر ضعیف. تضعیف بن غضائری را تایید نمی کنیم لکن قرینه بر وثاقت، روایت ابن ابی عمیر و ابی نصر از او است. ابن ابی عمیر و ابی نصر از هر کسی روایت نقل نمی کنند. بنابراین گرچه عبد الرحمن بن سالم شناخته شده نیست ولی شناخت ابن ابی عمیر و ابی نصر از او کفایت می کند. نکته قابل توجه این است که در اخذ روایت تنها اکتفاء به وثاقت روای نمی کنیم، بلکه به وثاقت روایت هم نگاه می کنیم. جناب مفضل بن عمر از چهرهای جنجالی از روات است. او مفضل بن عمر جعفی است. نجاشی درباره او گفته: کوفی فاسد المذهب مضطرب الروایة لا یعبی به، و قیل انه کان خطاباً و قد ذُکرت له مصنفات لا یعول علیها. محقق خویی از ج ۱۹ ص ۳۱۷ تا ۳۳۰ حدود سیزده صفحه هرچه درباره مفضل گفته شده را نقل و نقد و بررسی می کند. روایاتی که او را تجلیل کرده را نقل می کند. شیخ مفید او را محرم راز امام صادق شمرده است. و عدّه الشیخ من الممدوحین و عدّ ابن شهر آشوب المفضل بن عمر من خواص اصحاب الصادق علیه السلام و عدّه من الثقات الذین رووا صریح النص علی موسی بن جعفر. جناب کشی روایات مادحه و روایات ذامه را نقل کرده است. در پایان محقق خویی می فرماید: و النتيجة ان المفضل بن عمر جلیل ثقة و الله العالم.

استاد: با توجه به تجربه ای که در سیره معصومین داریم هر شخصیت برجسته ای از یاران امام باقر و صادق ع درباره او روایتی در نکوهش وارد شده است. امام صادق علیه السلام

درباره شخصیتی مانند زرارہ می فرماید: لعن الله زرارہ لعن الله زرارہ. مفضل محرم راز امام صادق علیه السلام بوده و او را قابل دیده که روایت بلند توحید را برای او بیان کرده است. بنابراین روایات ذامه درباره اصحاب برای رد گم کردن و محافظت از اصحاب است. بنابراین نگاه به مفضل بن عمر نگاه تجلیل است. ولی چون محمد بن احمد بن خالد نمی تواند از محمد بن مسلم روایت کند چون محمد بن احمد بن خالد از اصحاب امام عسگری یا امام هادی است نمی تواند از محمد بن مسلم که از اصحاب امام صادق علیه السلام است روایت کند. سند قبلی مشکل دارد. اگر این محمد بن مسلم همان محمد بن مسلم باشد روایت مرسل خواهد بود. در نتیجه روایت از جهت سند قابل اعتماد نیست.

دلالت روایت

روایاتی که می گوید، اضرار به نفس حرام است. روایات اطعمه و اشریه محرمه است. یعنی وقتی که میته و خمر حرام است یکی از ادله جواز خوردن آنها حرمت اضرار به نفس است. امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند اینکه، خمر و میته و خون و خنزیر را حرام کرد به خاطر منفعت شخصی خودش نیست. اما وقتی خلق را آفرید آنچه که برای آنها منفعت و مصلحت دارد را حلال کرد و آنچه برای بدن آنها ضرر و مفسده دارد را حرام کرد. اما برای مضطر در زمانی که استقامت بدن متوقف بر خوردن حرام است آن را برای او مباح و حلال کرد. امام علیه السلام می فرماید: ثُمَّ قَالَ أَمَّا الْمَيْتَةُ فَإِنَّهُ لَا يُدْمِنُهَا أَحَدٌ إِلَّا ضَعُفَ بَدَنُهُ وَ نَحَلَ جِسْمُهُ وَ وَهَنْتْ قُوَّتُهُ وَ انْقَطَعَ نَسْلُهُ وَ لَا يَمُوتُ أَكِلُ الْمَيْتَةِ إِلَّا فَجَاءَةً. بنابراین فلسفه تحریم را چنین ذکر کرده اند در ابواب اطعمه محرمه از این نمونه روایات است

دلیل عقل

اضرار به نفس از مصادیق ظلم به نفس است. حرمت ظلم از مستقلات عقلی است. لکن دلیل اجماع مدرکی است لذا اعتبار ندارد و چه بسا به استناد عقل است.

بنابراین اعتناء نکردن به بیماری ویروس حرام است. و در جایی که باید دستکش یا ماسک بزند و یا در اجتماع حاضر نشود واجب است رعایت کند.

وجوب خود قرنطینگی

بحث دیگر این است، اگر کسی مبتلا شد به جهت اینکه دیگران را مبتلا نکند نباید خودش را در معرض قرار دهد یعنی باید خودش را قرنطینه کند. از مردم و اطرافیان کناره بگیرد. اگر خودش بداند ناقل است اما دیگران ندانند. سبب انتقال ویروس و موجب مرگ دیگری شود

ضامن است. اگر سبب قتل دیگری، انتقال عمدی بیماری بوده قتل عمد خواهد بود. و دیگر اقسام قتل مطرح می شود.

[1] بقره/سوره ۲، آیه ۱۷۳.

[2] مائده/سوره ۵، آیه ۳.

[3] انعام/سوره ۶، آیه ۱۱۹.

[4] نحل/سوره ۱۶، آیه ۱۱۵.

[5] نساء/سوره ۴، آیه ۱۱۰.

[6] لقمان/سوره ۳۱، آیه ۱۳.

[7] بقره/سوره ۲، آیه ۱۱۹.

[8] وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۲۴، ص ۹۹، أبواب الاطعمه و الاشربة، باب ۱، ح ۱، ط آل البيت.